دختربچه‌هایی که اجازه تحصیل متوسطه ندارند، به ۲/۲ میلیون نفر رسیده است. محرومیت از تحصیلات متوسطه، پیامدهای گسترده‌ای دارد؛ تأثیر بر سلامت روانی دختربچه‌ها، افزایش خطر ازدواج زودهنگام، کمبود نیروهای متخصص زن در بخش‌های بهداشتی و سایر حوزه‌ها. بسیاری از دختربچه‌ها به‌صورت غیررسمی به مدارس دینی (مدرسه‌ها) مراجعه می‌کنند؛ تعداد دقیق ثبت‌شده نیست اما گزارش‌ها نشان می‌دهند که این گزینه غیررسمی با افزایش تقاضا همراه بوده است.

سه روز بعد، وقتی اینترنت دوباره وصل شد، لبخند به چهره زلما برگشت؛ لبخندی کوتاه اما پر از نگرانی: «حس شادی و آرامش خاصی داشتم، مثل این که دوباره توانستم با دنیا ارتباط بگیرم. اولین کاری که کردم، رسیدگی به پیام‌ها و ایمیل‌های عقب‌افتاده‌ام بود و بعد تماس با دوستان و اقارب. اما در کنار خوشحالی، دل‌نگران هم بودم، چون می‌دانستم ممکن است هر لحظه دوباره قطع شود.» او پیامی هم برای زنان بیرون از افغانستان دارد: «صدای زنان افغان باشید و ما را فراموش نکنید. ما برای حق آموزش، کار و زندگی آزاد تلاش می‌کنیم، اما به حمایت و همبستگی زنان جهان نیاز داریم. از آن‌ها می‌خواهم سکوت نکنند و در هر جایی که می‌توانند از حق و صدای زنان افغان دفاع کنند. امید ما به همبستگی جهانی است تا روزی دوباره بتوانیم به حقوق و آزادی‌های اساسی خود برسیم.»

### تنها در یک سیاره

علی، عکاس افغانستانی، چهارسال پیش در یکی از خبرگزاری‌های بین‌المللی در افغانستان مشغول به کار بوده و طالب‌ها همان اول روی کارآمدن‌شان او را از افغانستان بیرون کردند. او که به‌تازگی دوباره به افغانستان بازگشته، زمان قطعی اینترنت در دوشنبه هفته پیش در کافه‌ای در کابل نشسته بوده. علی به «هم‌میهن» می‌گوید، همان موقع مردمی را به‌چشم دیده که نگران و ترسان، گوشی‌هایشان را در خیابان به‌هم نشان می‌دادند و باورشان نمی‌شد که اینترنت را قطع کرده باشند: «همه شوک شده بودیم و استرس داشتیم. قطعی اینترنت روی کار خبرنگاران و عکاسان خیلی تاثیرگذار بود. فضا هم امنیتی بود و نمی‌شد درست کار کرد. فضا طوری بود که برای هم نامه می‌گذاشتیم مثلاً در خانه‌ها و مغازه‌ها. همه دچار سردرگمی بودیم.» او می‌گوید اگر این وضعیت تکرار شود، وضعیت وحشتناکی برای همه مردم افغانستان خواهد بود: «در همین چندروز قطعی اینترنت، میلیون‌ها دلار به اقتصاد افغانستان خسارت وارد شده و وضعیت برای زنان از نظر روانی بسیار به‌هم‌ریخته خواهد شد. چون اغلب خانه‌نشین هستند و کارهایشان را آنلاین پیش می‌برند. اینترنت که قطع شد، می‌دیدید که مردم دسته‌دسته در خیابان با همدیگر گپ می‌زدند اما باز هم یک نفر زن هم در خیابان ندیدم و برای من خیلی حس بد و غم‌انگیزی بود.»

ناهید هم عکاسی ایرانی است که شش سال است به افغانستان سفر می‌کند. وقتی اینترنت دوشنبه هفته پیش قطع شد، در شمال افغانستان برای یک موسسه، عکاسی می‌کرده و در روستایی دورافتاده بوده؛ او به «هم‌میهن» می‌گوید: «ما نباید از ساعت پنج به‌بعد بیرون می‌بودیم و آن‌زمان ساعت شش بود. کار ما زیاد طول کشیده بود و مجبور شدیم بیشتر بیرون بمانیم. اینترنت و سیم‌کارت نداشتیم که به آنها خبر بدهیم و تصور می‌کردیم چون در مناطق دورافتاده‌ایم، امکان دسترسی به اینترنت را نداریم و خط ما آنتن نمی‌دهد و نتوانستیم خبر بدهیم که ساعتی دیرتر می‌رسیم. زمانی که رسیدیم، همه پر از استرس و ترس، بیرون ایستاده بودند و نمی‌دانستند چرا ما دیر کردیم. به ما گفتند که خبر بدی برای ما دارند و آن اینکه، کل اینترنت‌ها و موبایل و تمام شبکه‌های خبری قطع شده است.» آن نیروها، به ناهید و تیم همراهش تا روز وصل‌شدن اینترنت اجازه خروج از دفتر ندادند: «آنها نگران بودند که من توسط امر به معروف، طالب‌ها یا استخبارات بازداشت شوم و بگویند اینجا چه کار می‌کنم؟ و تا آنها مرا پیدا کنند، چند روزی طول بکشد و به دردسر بیفتم. به‌همین‌دلیل اجازه خروج از دفتر نداشتم. من و یک همکار زن دیگرمان که خارجی بودیم در دفتر ماندیم و مدت ۴۸ ساعت اجازه خروج نداشتیم.» او می‌گوید: «آنها گفتند ما نمی‌توانیم به کابل هم برگردیم. من از آنها پرسیدم که شاید سازمان ملل پرواز داشته باشد و من بتوانم با آن پروازها برگردم، اما پاسخ دادند که تمام پروازها کنسل شده و هیچ پروازی انجام نمی‌شود. تمام بانک‌ها هم تعطیل بودند و هیچ کاری انجام نمی‌شد. تمام کارها تعطیل شده بود و هیچ امکان هماهنگی‌ای برای برگشتن به کابل وجود نداشت.»

ناهید از مردی می‌گوید که به‌دلیل قطعی اینترنت پروسه مهاجرت‌اش کنسل می‌شود: «او بیش از ۲۰ سال است که در این موسسه کار می‌کند و سال‌ها منتظر بوده که در موقعیت شغلی خودش در کشور دیگری امکان کار فراهم شود که بتواند به آنجا برود. اما درنهایت به‌دلیل قطعی اینترنت نتوانست در آزمون شرکت کند.» او در آن روزها فکر می‌کرده در سیاره‌ای تنها مانده: «فکر می‌کردم ویروسی آمده، فقط من زنده ماندم و بیرون همه مرده‌اند یا فکر می‌کردم ویروسی آمده، دوباره همه قرنطینه شده‌ایم و هرکس در خانه‌های جداگانه است. ما با استفاده از تلفن‌های ماهواره‌ای تلاش کردیم با خانواده‌هایمان ارتباط برقرار کنیم، اما ارتباط با ایران برقرار نمی‌شد.»

ناهید که سال‌هاست از زنان افغان عکاسی می‌کند، می‌گوید در افغانستان مردها به‌راحتی از در خانه بیرون می‌روند، جمع‌های خودشان را دارند، در خانه‌ها، کافه‌ها، پارک‌ها و سر خیابان با هم معاشرت می‌کنند و وقت می‌گذرانند: «آنها احساس تنهایی مطلق نمی‌کنند و آزادانه بیرون می‌روند. اما زنان به‌دلیل ترس از امر به معروف یا پرسیدن اینکه چرا محرم به‌همراه ندارند، سخت از خانه بیرون می‌روند. آنها در کافه یا رستوران نمی‌توانند بنشینند و این اضطراب‌ها حالا بیشتر هم شده است. چون اگر بیرون بروند و امر به معروف به آنها گیر دهد، مانند گشت ارشاد ایران آنها را می‌برند و اگر آنها دستگیر شوند، نمی‌توانند به خانواده‌هایشان خبر دهند. به‌همین‌دلیل محدودیت‌ها برای زنان بیشتر بود. در خانه ماندن، فشار روانی و استرس دارد و ارتباط فرد را با دنیا قطع می‌کند به‌همین‌دلیل هم آسیب بیشتری دارد.»

### «زنی در اسارت مغزهای گندیده»

وقتی اینترنت بعد از چندروز خاموشی دوباره به کابل برگشت، «حسنیه صبور» پشت صفحه موبایل‌اش نشست، اشک در چشم‌هایش جمع شد و اولین شماره‌ای که گرفت، یکی از دوستان نزدیک‌اش بود. دوستش فقط می‌خواست بداند او زنده است و خوب است. بعد نوبت به اعضای خانواده‌اش در بیرون از کشور رسید؛ کسانی که در روزهای قطع ارتباط، دل‌شان هزاربار شور زده بود. تماس گرفت تا دل جمع‌شان کند، بگوید هنوز نفس می‌کشد و هنوز امید دارد. حسنیه ۲۳ ساله است؛ دانشجوی آنلاین دانشگاه «ایندریا گاندی» در هندوستان و فعال جامعه مدنی. او روزی دانشجوی روان‌شناسی در پوهنتون کابل بود، سال اول، پر از انگیزه و شور اما با ورود طالبان، همه‌چیز متوقف شد و حالا به «هم‌میهن» می‌گوید که قبل از آمدن طالبان، درس‌هایش حضوری بوده در دانشکده روانشناسی. با وضع محدودیت‌های طالبان اما نتوانسته درس‌اش را ادامه بدهد و زندگی‌اش مثل دیگر زنان افغان، در «چهارچوکات» خانه محصور شده: «روزگاری دست‌مان باز بود برای رفتن به کلاس، حالا درها بسته‌اند.» به روایت حسنیه، اولین گام طالبان در چندروز گذشته، خاموش کردن وای‌فای بوده و بعد، قطع کامل اینترنت و محدودیت سیم‌کارت‌ها. همان چندروز خاموشی کافی بود تا او از درس‌های آنلاین‌اش عقب بیفتد، از خانواده‌اش بی‌خبر بماند و از دانشگاه هندی‌اش فاصله بگیرد: «در نبود اینترنت، نتوانستم با دانشگاه در ارتباط باشم و درس‌هایم را ادامه بدهم. حتی کلاس‌های ارتقای مهارت که داشتم دچار «سکتگی» شد. نگران اعضای فامیلم هم بودم و هیچ راهی برای تماس نداشتم.»

برای حسنیه، اینترنت فقط ابزار درس‌خواندن نیست؛ تنها راه پرواز زنان به‌سمت آینده‌ای روشن است: «قطع اینترنت برای زنان پیامدهای ناگواری دارد. بسیاری از طریق کارهای آنلاین درآمد پیدا کرده بودند. درس‌های مجازی، کلاس‌های آموزشی و فروشگاه‌های کوچک. همه اینها با خاموشی نت متوقف شد.» او به‌عنوان فعال جامعه مدنی، سال‌ها برای قدرتمندتر کردن زنان با نهادهای غیردولتی کار کرده؛ با همه محدودیت‌ها، کارگاه‌هایی برای افزایش اعتمادبه‌نفس و رشد مهارت‌ها برای زنان برگزار کرده و هنوز ناامید نشده: «سعی می‌کنم آموزش روان‌شناسی، کلاس‌های فن بیان و روزنامه‌نگاری برگزار کنم تا زنان صدای خودشان را بلند، روایت‌هایشان را ثبت و جهان را از اوضاع ما باخبر کنند.»

حسنیه صبور که خودش را «زنی در اسارت مغزهای گندیده» توصیف می‌کند، پیامی هم برای زنان بیرون از افغانستان دارد: «دست از حمایت ما برندارید. ما در اینجا برای حق آموزش، کار و زندگی آزاد تلاش می‌کنیم. شما صدای ما باشید و برای رشد زنان در افغانستان اقدامات جدی و فوری انجام بدهید.»

### شعر، رنگ و تاریکی

«هدیه»؛ ۲۳ ساله، شاعر، نویسنده و شاگرد رشته گرافیک در یکی از دانشگاه‌های آنلاین است. زندگی او در «مزار شریف» میان شعر و طراحی می‌گذرد؛ میان واژه‌هایی که درد و امید را روایت می‌کنند و رنگ‌هایی که تلاش می‌کنند جهان تیره امروز زنان افغان را کمی روشن‌تر کنند. او به «هم‌میهن» می‌گوید هفته پیش که طالبان اینترنت را قطع کرده، انگار در تاریکی مطلق فرورفته: «اینترنت برای من تنها وسیله سرگرمی نیست؛ راه نفس کشیدن، آموختن و ارتباط با جهان است. وقتی آن را گرفتند، احساس کردم در قفسی که پیش‌تر ساخته بودند، آخرین روزنه هوا هم بسته شد.» قطع اینترنت برای او یعنی ایستادن در میانه‌راه؛ بسیاری از درس‌ها نیمه‌کاره ماند و مشکلاتی برای خانواده‌اش هم ایجاد شد: «از کارهای روزمره گرفته تا ارتباط با کسانی که بیرون از کشور هستند، همه‌چیز متوقف شده بود؛ انگار زندگی روی دکمه‌ی مکث قرار گرفت.»

پیش از آمدن طالبان، هدیه محصل بوده و حضوری درس می‌خوانده؛ با استادان و هم‌کلاسی‌ها تعامل داشته و در برنامه‌های فرهنگی، ادبی و اجتماعی سهم می‌گرفته. او به «هم‌میهن» می‌گوید: «آزادی‌های بیشتری وجود داشت؛ می‌توانستم بدون ترس به بیرون بروم، با دوستانم دیدار کنم و برای آینده‌ام برنامه‌های روشن بسازم. اما امروز بسیاری از آن آزادی‌ها و امکانات از میان‌رفته و دنیایم محدود شده است. انگار زندگی از میدان وسیع امید، به اتاقی کوچک و پر از قفل تبدیل شده است.»

روزهای پیشین هدیه پر بود از رفت‌وآمد، کلاس، نشست‌های ادبی و گفت‌وگوهای پرشور. اما حالا زندگی بیشتر در دیوارهای خانه محصور مانده است: «اگرچه هنوز می‌نویسم و می‌آموزم، اما شور زندگی، به‌اجبار رنگی از خاموشی گرفته است. امروز بیشتر از آنکه زیستن باشد، جنگیدن برای دوام‌آوردن است.» بزرگ‌ترین محدودیت برای هدیه، محرومیت از آموزش آزاد و حضور در جامعه است: «برای یک زن، تحصیل نه‌تنها یاد گرفتن کتاب‌ها، بلکه نفس کشیدن در هوای آینده است. وقتی این فرصت گرفته می‌شود، گویی آینده‌ای را از ما می‌برند که هنوز نرسیده‌ایم به آن. افزون بر این، ما از کار هم محروم شدیم؛ دیگر اجازه نداریم مستقلانه فعالیت‌های شغلی داشته باشیم. حتی برای سفرکردن هم آزادی وجود ندارد؛ بدون محرم نمی‌توانیم قدم‌ازقدم بیرون بگذاریم. این همه، زندگی را به زندانی خاموش تبدیل کرده است.» او می‌گوید: «زنان افغانستان هم‌اکنون از بسیاری صحنه‌های جامعه حذف‌شده‌اند. اینترنت تنها دریچه‌ای بود که هنوز می‌توانستند از آن بیاموزند، کار کنند یا صدایشان را به جهان برسانند. قطع‌شدن اینترنت برای زنان یعنی بریدن آخرین راه امید. یعنی خاموشی صدایی که پیش‌تر هم به‌سختی شنیده می‌شد.» اما وقتی اینترنت دوباره وصل شد، حس زندگی دوباره به او برگشت: «انگار دری دوباره باز شد. مثل نفسی که بعد از خفه‌شدن طولانی کشیده می‌شود. دوباره توانستم به نوشته‌ها، دوستانم و جهان بیرون دسترسی پیدا کنم. وصل‌شدن اینترنت برای من فقط یک امکان تکنولوژیک نبود؛ شبیه روشن‌شدن چراغی بود در دل تاریکی.» هدیه به زنان دیگر نقاط جهان می‌گوید: «خواهران من، صدای ما باشید. زنان افغانستان امروز میان دیوارهای بلند محرومیت محصور مانده‌اند، اما هنوز زنده‌اند، هنوز امیدوارند. صدای شما می‌تواند پژواکی باشد برای فریاد خاموش ما. اگر جهان دست ما را گرفته و تنها گذاشته، شاید همدلی شما چراغی باشد که راه را روشن کند.»

**قطع اینترنت اما برای زنان سنگین‌تر است تا مردان؛ طبق داده‌های یونسکو، از زمان بازگشت طالبان به قدرت در اوت ۲۰۲۱، حداقل ۱/۴ میلیون دختربچه به‌صورت عمدی از تحصیلات متوسطه محروم شده‌اند. اگر تعدادی از دختربچه‌هایی را که پیش از طالبان هم در مدارس نبودند به این عدد اضافه کنیم، مجموع دختران محروم از آموزش در افغانستان، به تقریباً ۲/۵ میلیون نفر می‌رسد که حدود ۸۰ درصد از آنها در سن مدرسه‌اند**

### ناامیدی، بازگشت امید

«نسرین جان» ۲۵ ساله است؛ در ولایت کندز زندگی می‌کند و حالا خیاطی می‌کند. اما زندگی او پیش از آمدن طالبان، رنگ دیگری داشت: خبرنگار بود و فعالیت‌های رسانه‌ای، اجتماعی، ادبی و فرهنگی داشت. او حالا پشت چرخ خیاطی نشسته و به «هم‌میهن» از روزهایی می‌گوید که قلم‌اش، صدایش و آزادی‌اش را ازدست‌داد: «مهم‌ترین و بنیادی‌ترین محدودیتی که پس از روی کارآمدن طالبان تجربه کردم، محرومیت از آموزش بود. در قدم دوم هم کار.» نسرین جان حالا به این فکر می‌کند که چگونه هر دری که پیش‌تر به رویش باز بود، یکی‌یکی بسته شد. برای او و هزاران زن دیگر، اینترنت تنها یک ابزار نیست؛ بخشی از زندگی روزمره است: «بدون شک اینترنت امروزه از مهم‌ترین بخش‌های زندگی انسان‌هاست. در روزهایی که اینترنت قطع بود، مهم‌ترین تاثیر را روی کسب‌وکار من گذاشت. در کنار آن ارتباطات مختل و باعث افزایش حس اضطراب برای من و اعضای خانواده شد.» نسرین معتقد است، قطع‌شدن اینترنت برای زنان پیامدهای خاص و عمیقی دارد: «بسیاری از زنان در شرایط اجتماعی و فرهنگی محدودتری زندگی می‌کنند و اینترنت یکی از معدود ابزارهای قدرتمندتر کردن آن‌هاست.» او از تجربه شخصی‌اش می‌گوید: «قطع اینترنت برای زنان، نه‌فقط قطع ارتباط، بلکه قطع یک راه نجات، رشد و دیده‌شدن است.» وقتی اینترنت دوباره وصل شد، نسرین جان حس‌اش را احساس رهایی داشته؛ احساس آسودگی، هیجان، امنیت و ارتباط مجدد با دنیا. زندگی امروز او و بسیاری از زنان افغان با گذشته‌شان دو دنیای جداست: «با درنظرداشتن شرایط حاکم، زندگی من و هزاران زن مثل من در انزوا، محدودیت، حذف از اجتماع و نادیده‌انگاری حقوق انسانی می‌گذرد.» وقتی از او می‌پرسم اگر پیامی به زنان بیرون از افغانستان داشته باشد، چه می‌گوید، صدایش آرام اما قاطع می‌شود: «سکوت نکنید و از ما حمایت کنید. سکوت شما، صدای ما را می‌میراند. اما حمایت شما برای ما امید می‌بخشد. شما که آزادید، برای ما بجنگید که حق نفس کشیدن در آزادی را ازدست‌داده‌ایم. ما را فراموش نکنید.»

عذرا، ۲۶ ساله هم می‌گوید روزی که اینترنت و سیم‌کارت‌ها قطع شد، برای مردم دقیقاً مثل همان روزی بوده که طالب‌ها دوباره افغانستان را گرفته بودند. سخت‌ترین بخش این بود که در کابل بازداشت‌های خودسرانه وجود دارد، هیچ رسیدگی‌ای هم نمی‌شود و به‌همین‌دلیل ارتباط‌داشتن آدم‌ها با همدیگر بسیار مهم است و با این وضعیت، ترس و وحشت همه‌جا را گرفته بود: «به‌نظر من طالب‌ها می‌خواستند ببینند اگر این کار را انجام دهند، مردم خیزش می‌کنند یا خیر. اگر این وضعیت دوباره تکرار شود، زنان افغان به تاریکی و خاموشی مطلق خواهند رسید؟ جامعه بین‌الملل هیچ فکری به حال ما نمی‌کند.»

---

خبرسازان

تکذیب شایعات زلزله بامدادی در اصفهان

## ۳۰ بنای تاریخی آسیب دید

زمین‌لرزه‌ای با قدرت ۵/۳ ریشتر، بامداد روز جمعه در حوالی زواره استان اصفهان به‌ثبت رسید و ساکنان قم و تهران نیز آن را احساس کردند. این زمین‌لرزه ۱۰ شهرستان استان اصفهان را تحت‌تاثیر قرار داد و پس از آن هشت پس‌لرزه نیز به‌ثبت رسید. طبق ارزیابی تیم‌های هلال احمر، خسارت جانی به‌دنبال نداشت و تنها به ۳۰ بنای تاریخی اردستان آسیب زد. هم‌زمان با انتشار خبر وقوع این زلزله، شایعاتی درباره علت وقوع آن در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌راه افتاد که واکنش متخصصان این حوزه را به‌دنبال داشت.

علی بیت‌الهی، رئیس بخش زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات وزارت راه و شهرسازی، در واکنش به این شایعات به «ایلنا» گفت که زلزله زواره در ساعت ۰۰:۰۵ دقیقه بامداد رخ داد و مرکز زلزله‌نگاری آمریکا هم آن را ثبت کرد: «احساس زلزله در تهران با همین زلزله زواره اصفهان مطابقت دارد و رخداد دیگری ثبت نشده است. در سه‌روز اخیر در کشورمان ۲۵ زلزله با بزرگی بالای پنج ریشتر رخ داده که بزرگ‌ترین آن زلزله زواره اصفهان بوده است. بامداد جمعه در تهران زلزله‌ای رخ نداد، بلکه احساس زلزله اصفهان بود. این احساس بیشتر در ساختمان‌های بلند ایجاد شد. البته روز گذشته ساعت ۱۷:۳۰ زلزله‌ای در مشکین‌دشت کرج رخ داد که آن زمین‌لرزه ۳ ریشتری در تهران احساس نشد.»

بیت‌الهی درباره شایعه وقوع انفجار و فعالیت‌های غیرطبیعی که به‌عنوان دلایل این زمین‌لرزه مطرح شد، توضیح داد و گفت: «باید توجه داشت که رکورد زلزله‌ها و آن موجی که در ایستگاه‌ها ثبت می‌شود، کاملاً با رکورد انفجارها متمایز است و از سوی دیگر مرکز لرزه‌نگاری آمریکا و مدیترانه-اروپا این زلزله زواره را ثبت کرده و گزارش داده است. اگر مورد شبهه‌ناکی وجود داشت، این کشورها به‌سرعت واکنش نشان می‌دادند. علاوه بر این زلزله اصفهان شش پس‌لرزه داشت درحالی که انفجارها و این لرزش‌ها پس از یک یا دو انفجار ایجاد نمی‌شود و در تمام سایت‌های لرزه‌نگاری این پس‌لرزه‌ها ثبت و تعیین محل شده است.»

ساعاتی پس از وقوع این زمین‌لرزه، مدیرکل مدیریت بحران استان اصفهان از ترک خوردن برخی بناهای تاریخی شهر زواره خبر داد. منصور شیشه‌فروش، در حاشیه برگزاری جلسه ستاد مدیریت بحران شهر زواره توضیح داد که پس از اتمام مرحله امداد و نجات و اطمینان از نداشتن خسارات جانی، ۹ تیم ارزیابی خسارات به شهرها و روستاهای منطقه از جمله دهستان ریگستان و روستاهای دهنو، باقرآباد، نیرآباد، معین‌آباد، علی‌آباد و جعفرآباد واقع در شمال شرق زواره اعزام شدند.

---

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران

**مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) دو مرحله ای**
**خرید و نصب تجهیزات سیستم کنترل دسترسی و تردد ساختمان غدیر**

نوبت اول

کد فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۳۶۹۶۰۰۰۰۰۵

**شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران در نظر دارد ارائه خرید و نصب تجهیزات سیستم کنترل دسترسی و تردد ساختمان مرکزی غدیر این شرکت را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی به صورت همزمان با ارزیابی (یکپارچه) دومرحله‌ای به شرکت‌های ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید.**

از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می‌باشند، درخواست می‌گردد **تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶** فرم استعلام ارزیابی کیفی را از طریق مراجعه حضوری و بصورت cd دریافت و مدارک درخواستی را **تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰** تکمیل و از طریق نشانی سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.

ضمناً شماره تلفن ۶۱۶۳۹۱۰۴ برای پاسخگویی به متقاضیان اعلام می‌گردد.

**الف- شرایط مناقصه گران**

۱- داشتن تجهیزات و امکانات و تخصص لازم و توانایی انجام کار مطابق استانداردهای رایج در صنعت نفت ۲- داشتن توانایی مالی و فنی کافی جهت اجرای موضوع پیمان
۳- ارائه آگهی تاسیس و آگهی آخرین تغییرات ۴- ارائه شناسه ملی و شماره اقتصادی
۵- انطباق موضوع مناقصه با موضوع فعالیت شرکت مندرج در اساسنامه ۶- سایر موارد در اسناد ارزیابی (RFQ) درج گردیده است.
۷- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی ۱۴۰۲ ۸- پیمانکاران تایید صلاحیت شده سازمان حراست وزارت نفت

**توجه:** لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق نمایند.

**ب- شرایط و مشخصات کار و شرکت در مناقصه**

۱- **مدت اجرای قرارداد: شش ماه می‌باشد.**
۲- **برآورد اولیه اجرای کار: ۱۸۰/۲۳۷/۰۰۶/۹۶۸ ریال (بدون احتساب ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده)**
۳- **مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: ۹/۰۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (به صورت نقدی یا ضمانت نامه بانکی)**
۴- **زمان دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶** با مراجعه حضوری به آدرس خیابان استاد نجات الهی خیابان ورشو ساختمان مرکزی غدیر شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران طبقه اول اتاق ۱۶۰ (داشتن اصل معرفی نامه و مهر الزامی می‌باشد)
۵- **زمان جلسه توجیه اسناد: روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ ساعت ۱۰:۰۰ صبح** در آدرس خیابان استاد نجات اللهی، خیابان ورشو، ساختمان غدیر، پلاک ۴. طبقه اول. سالن جلسات حراست.
۶- **آخرین مهلت تحویل مدارک استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهادی: تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰** از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir (ستاد).
۷- **مدت اعتبار پیشنهادها: ۹۰ روز**
۸- **زمان و محل بازگشایی پاکت پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۱:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲** در آدرس خیابان استاد نجات اللهی، خیابان ورشو، ساختمان غدیر، پلاک ۴. طبقه چهارم، سالن جلسات شماره ۲. (لازم به ذکر است در صورت هرگونه تغییر، مراتب از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir (ستاد) به مناقصه گران اطلاع داده خواهد شد.)

**ج- توجه:** اصل تضمین معتبر بانکی / اصل رسید بانکی واریز وجه شرکت در فرآیند ارجاع کار بایستی توسط مناقصه گر به یکی از دو صورت زیر تهیه و پس از درج مشخصات آن در ردیف مربوط به پاکت الف در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ به دبیرخانه کمیسون مناقصات به نشانی خیابان استاد نجات الهی - خیابان ورشو - ساختمان غدیر پالایش و پخش - طبقه سوم - اتاق کمیسیون مناقصات ۳۵۰ تحویل و رسید دریافت نماید:

- تضمین بانکی مطابق فرم پیوست اسناد به میزان مبلغ تضمینی که شماره و عنوان مناقصه نیز در آن قید گردیده و برای مدت سه ماه دارای اعتبار باشد. (به استثناء بانک سپه و پاسارگاد)
- رسید وجه نقد واریز مبلغ تضمین به شماره شبای IR۱۴۰۱۰۰۰۰۴۱۰۱۰۴۵۲۳۱۴۰۸۹۲۸ به نام شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

شناسه آگهی: ۲۰۱۴۳۲۰

HTTP://IETS.MPORG.IR WWW.SHANA.IR WWW.NIORDC.IR

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران